



در مقاله های پیش، بحث در نحوه مجازات اعمال در روز قیامت در این مورد بود که آیا مجازات بوسیله خود اعمال صورت میگیرد؟ یعنی اعمال نیک انسان در صحنه آخرت در چهره خوب و مطلوب و زیبای بهشتی جلوه گر و اعمال بد در چهره زشت و نامطلوب و جهنمی مجسم می گردد؟

با اینکه بهشت و جهنم و ثواب و عذاب بالأخره پاداش و کیفر، از اعمال انسانی جدا است و آثار و نتایجی است که بر اعمال انسانی مترتب میشود؟

هر یک از این دو نظریه، طرفدارانی در میان علمای اسلامی دارد و هر یک به آیهاتی از قرآن مجید و احادیثی از احادیث اسلامی استدلال می کنند که، به شرح قسمتی از آنها پرداختیم.

علامه مجلسی که از طرفداران نظریه دوم است، پس از نقل عباراتی از «شیخ بهاء الدین عاملی» که با پافشاری از نظریه اول طرفداری میکند میگوید: «نظریه» شیخ بهائی قابل قبول نیست زیرا این نظریه مستلزم تبدل غرض- که اعمال انسانی است، به جوهر است و تبدل غرض به جوهر و همچنین عکس آن یعنی تبدل جوهر به غرض محال است.

و در این موضوع تفاوتی میان دنیا و آخرت نیست و اینکه در صحنه دنیا تبدل غرض به جوهر محال و غیرممکن باشد ولی در صحنه آخرت این تبدل ممکن باشد غیرقابل قبول است و چیزی جز منقسطه و مغالطه نیست زیرا نشأء آخرت مانند نشأء دنیا است و فقط تفاوت آنها در این است که یکی قبل از مرگ و دیگری بعد از مرگ است و روشن است که واقع شدن مرگ میان دو نشأء، هرگز نمی تواند امر محال را ممکن بسازد. سپس میگوید: آیات و روایاتی که در ظاهر دلالت بر تجسم اعمال دارد قابل توجیه می باشد و ناگزیر مورد توجیه قرار می گیرند.<sup>۱</sup>

در این مورد در رابطه با کلام علامه مجلسی باید گفت که تفاوت جهان آخرت با این جهان فقط در «اینکه یکی قبل از مرگ و دیگری پس از مرگ است» نیست بلکه تفاوت آنها بسیار عمیق تر و گسترده تر از این است و چنانکه از آیات قرآنی و احادیث اسلامی استفاده میشود در جهان آخرت اساساً موجودات چهره ها و سیماهای دیگری را باز می یابند و جهان آخرت، جهانی است که همه چیز در آن زنده است جهانی است که زمین و زمان در آن سخن میگویند و اعضاء و جوارح بدن انسان درباره

و میتوان گفت: اساساً بحث تبدل غرض به جوهر با موضوع تجسم اعمال در روز قیامت مرتبط نیست و در صحنه آخرت نه تنها اعمال انسانها با چهره دیگری ظاهر، بلکه بسیاری از موضوعاتی که در دنیا چهره مخصوص دنیوی دارند در آنجهان با چهره دیگری مجسم و آشکار میشوند و این مطلب با مراجعه به اخبار اهلیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم روشن میشود و ما برای نمونه به ذکر برخی از آنها می پردازیم:

## «معاد»

### قسمت بیست و چهارم

#### ۱- قرآن مجید

چنانکه میدانیم قرآن مجید در صحنه این دنیا بصورت کنشایی است مقدس که مورد تلاوت قرار می گیرد و برنامه مدون زندگی انسانها را تشکیل میدهد ولی احادیث اسلامی میگوید که این کتاب در صحنه آخرت با چهره دیگری ظاهر می گردد: حضرت باقر علیه السلام به مردی بنام سعد خطاب فرمودند:

ای سعد قرآن را یاد بگیر که «قرآن» در روز قیامت در بهترین سیما و صورت در عرصه محشر در حالی که اجتماع مردم ۱۲۰ هزار صف را تشکیل داده اند و ۸۰ هزار صف از آن صفوف ائمه حضرت محمد صلی الله علیه وآله و ۴۰ هزار صف ائمه پیامبران دیگر است حضور پیدا میکند و در ابتداء بطرف صفوف مسلمین می آید و بر آنها سلام میکند و آنها از دیدن زیبایی جمال و شکوه آن به شگفت می آیند و میگویند: «لا اله الا الله العظیم الکریم» این شخص که این اندازه جمال و نورانیت و عظمت دارد کیست؟

از آن پس به طرف صف شهدای راه خدا حرکت میکند آنان نیز از مشاهده جمال و جلال و شکوه آن خیره میشوند و میگویند: «لا اله الا الله الکریم» این شخص گویا با این اندازه از شکوه و عظمت و زیبایی و روشنایی از شهدای دریا است و به همین علت است که این همه بهاء و جمال و شکوه بآن داده شده است!!

از آن پس از آنجا نیز حرکت کرده به سوی شهیدان دریا میروند آنها نیز هنگامی که آنرا می بینند از عظمت و شکوه و جمال او تعجب می کنند و میگویند «این شخص با این شکوه از شهیدان دریا است جز اینکه جزیره و نقطه ای که آن در آنجا بشهادت نائل گردیده است از جزیره و



آیت الله حسین نورئ

اعمال او گواهی میدهند و متکبران بصورت مورچه و سخن چنان به شکل میمون و حرام خواران بصورت خوک محشور می گردند.<sup>۲</sup> و تازیانه ای که در دست ستمگران بوده است به شکل ازدها محشور میشود. خلاصه آن جهان، جهان بروز حقایق است و همه چیز با صورت واقعی و باطنی خود آشکار می گردد.

عالم الفسرده است نام او جماد  
باش تا خورشید حشر آید عبان  
تا ببینی جنش جسم جهان  
مرده اینسویند و آنسوینده اند  
خامش اینجا و آنطرف گوینده اند

نقطه ای که ما در آن شهادت رسیده ایم بزرگتر و پرخطرتر بوده است.

پس از آن نقطه نیز عبور کرده در چهره پیغمبران خدا روبه صف پیغمبران میآید در اینحال پیغمبران خدا (ع) به آن می نگرند و از شکوه و عظمت آن به شگفت میآیند و میگویند «لا اله الا الله الحليم الكريم» گویا این پیغمبر است ولی دارای عظمت بسیار زیادی است.

بعد از آن همه آنها اجتماع میکنند و همگی به محضر مقدس حضرت پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله میآیند و میگویند ای محمدا! این شخص کیست؟

پیغمبر اکرم «ص» به آنها میگوید: آیا این را نمی شناسید؟ میگویند ما آنرا نمی شناسیم ولی معلوم است که مورد رحمت الهی است.

حضرت پیغمبر «ص» می فرماید: این حجت خدا است بر مردم از آن پس از آنجا نیز گذشته بطرف صف فرشتگان در چهره فرشته مقرب خداوند میآید هنگامی که فرشتگان آنرا با آن جمال و عظمت می بینند تعجب میکنند و میگویند پروردگار ما بزرگ و مقتبس است!! گویا این شخص جزء فرشتگان است و باید مقررترین فرشتگان باشد و از همین رو است که این همه بها و شکوه و عظمت آنرا فرا گرفته است.

بعد از آن، از آن نقطه نیز عبور کرده زیر عرش خداوند توقف میکند و سجده میافند.

پس خداوند تبارک و تعالی آنرا صدا میزند و به آن میگوید: «ای حجت من در روی زمین و کلام صادق و ناطق من» سر خود را بالا کن و از من سؤال نما که هر چه بخواهی بتو داده خواهد شد و شفاعت کن که شفاعت تو پذیرفته میشود.

از آن پس سر خود را بلند میکند و خداوند بآن میگوید:

بنندگان مرا در رابطه با خود چگونه دیدی؟

آن در پاسخ میگوید:

پروردگارا گروهی از آنان حق مرا مراعات کردند و براهنمائیهای من عمل کردند و پشت سر من گام برداشتند ولی دسته ای از آنها بمن توجه نکردند و حق مرا سبک شمردند و براهنمائیهای من توجه و عمل ننمودند و با اینکه من برای همه مردم حجت و دلیل می باشم مرا تکذیب کردند.

در این حال خداوند تبارک و تعالی میفرماید: «به

عزت و جلال و عظمت خودم سوگند امروز بهترین پادشاه را با بکسانی میدهم که بدستور هائی که در تو مندرج است عمل کرده اند و شدیدترین و دردناکترین عذاب نیز برای کسانی است که براهنمائیهای تو پشت پا زدند و عمل نکردند».

از آن پس «قرآن» بسوی مردم بر میگردد و بنزد کسانی که بآن عمل کرده اند میآید و بآنان میگوید: «من آنکسی هستم که تو شب ها را برای انس گرفتن با من بیدار مانندی و در راه عملی شدن براهنمائیهای من زحمت ها کشیدی و ادبتهائی را تحمل کردی امروز روزی است که هر کس نتیجه کار و زحمت خود را باز خواهد یافت و من امروز پشت سر تو ایستاده ام و بعد از آن رو بجناب پروردگار میکند و میگوید: پروردگار! بنده تو که تو بحال او آگاه تر میباشی، در راه بکار بستن براهنمائیهای من خود را بزحمت انداخت و او همواره مراقب حق من بود و برای خاطر من دوست میداشت و برای خاطر من دشمن میداشت.

در این حال خداوند میفرماید: این بنده مرا اکنون به بهشت داخل کنید و از لباسهای بهشتی بر او بپوشانید و از تاجهای بهشتی بر فرق او بگذارید. پس خداوند میگوید: بعزت و جلال خودم سوگند امروز این پنج مطلب را باین قبیل افراد ارزانی میدارم:

- ۱- آنها همیشه جوان خواهند بود و هرگز پیری در وجود آنها راه پیدا نخواهد کرد.
- ۲- همواره سالم و تندرست خواهند ماند و هرگز بیماری عارض آنها نخواهد شد.
- ۳- همیشه غنی و توانگر خواهند بود و هیچگاه فقر بر آنها سایه نخواهد افکند.
- ۴- همواره شادمان خواهند بود و هیچوقت حزن و اندوه بر آنها عارض نخواهد شد.
- ۵- همیشه زنده خواهند بود و مرگ هیچوقت سراغ آنها نخواهد آمد!

## ۲- ماه رمضان

میدانیم «ماه رمضان» یکی از ماههای دوازده گانه سال و دارای فضیلت و عظمت مخصوصی است و قرآن مقدس در این ماه نازل گردیده و روزه گرفتن که یکی از عبادات پراهنیت اسلامی است در این ماه واجب شده است ولی در روز قیامت با چهره دیگری محشور می گردد. در تفسیر حضرت عسکری «ع» آمده است که

خداوند در روز قیامت «ماه رمضان» را در بهترین و زیباترین چهره محشور میگرداند و آنرا برای اینکه همه اهل محشر ببینند در جایگاه بلندی قرار میدهد و خلعت های بسیاری از خلعت های بهشتی و همچنین انواع لباسها و زیورهای بهشتی را در اختیار آن میگذارد.

از آن پس منادی ای از عرش خداوند ندا میدهد که ای مردم!

آیا صاحب این چهره با عظمت را میشناسید؟ مردم در پاسخ میگویند: پروردگارا ما صاحب این سعای با عظمت را نمی شناسیم.

منادی الهی میگوید: این ماه رمضان است و چه بسیار کسانی که بوسیله آن سعادت مند شدند و چه بسیارند کسانی که بواسطه آن شقاوت مند گردیدند.

اکنون آگاه باشید هر مؤمنی که در ماه رمضان طاعت پروردگار را بزرگ شمرده است و بوظیفه خود در این ماه مقدس عمل کرده است نزدیک بیاید و نصیب خود را با در نظر گرفتن مراتب اطاعت و جدیت از این خلعت ها بگیرد.

بعد از آن افراد مؤمنی که در راه اطاعت خداوند در این ماه گام برداشته و بوظیفه خود عمل کرده اند پیش می آیند و از آن خلعت ها باندازه اطاعت خود و جدیتی که داشته اند می گیرند و بر اندام خود می پوشند.

لذا افرادی که برای ماه رمضان احترام و اهمیت لازم را قائل نشدند و بوظیفه خود در آنماه عمل ننمودند از جامه های آتشین پوشانده می شوند.

از این قبیل نمونه ها این موضوع - همانطور که گفته شد - بطور روشن بدست می آید که روز قیامت روز نمایان شدن حقایق و پدیدار شدن چهره های باطنی و واقعی موجودات است و بنابراین پذیرفتن موضوع تجسم اعمال و صورت گرفتن مجازات بوسیله خود اعمال، چون یک حقیقت قرآنی و حدیثی است، استبعادی ندارد.

## ادامه دارد

- ۱- جوهر در اصطلاح فلسفه به موجودی که قائم به ذات خود می باشد و عرض به موجودی که قائم به ذات خود نیست گفته می شود و مقصود علامه مجلسی این است که اعمال انسانی که از مقوله عرض است اگر روز قیامت تجسم پیدا کند، تبدیل به جوهر می شود و این امر محال است.
- ۲- بحار الانوار ج ۷ ص ۲۳۰. ۱- بحار الانوار ج ۷ ص ۳۱۹.
- ۳- بحار الانوار ج ۷ ص ۲۱۶. ۵- بحار الانوار ج ۷ ص ۱۹۰.